

بررسی برخی ادله روایی احمد بصری؛ یمانی دروغین

مهدی یوسفیان*

محمد شهبازیان**

چکیده

هدف این نوشتار، بررسی برخی ادله روایی یکی از مدعیان نیابت، با عنوان احمد بن اسماعیل بصری است. این فرد خود را فرزند با واسطه امام مهدی علیه السلام، رسول و زمینه‌ساز ظهور معرفی کرده و مدعی است پس از آن حضرت به حکومت و خلافت خواهد رسید.

وی کوشیده است با بهره‌گیری از روایات معصومین علیهم السلام ادعای خود را اثبات کند. همچنین مریدان این شخص ادعا دارند تمام بیانات و ادله او برگرفته از علم الهی وی بوده و امکان نقد هیچ‌یک از آن‌ها وجود ندارد. اما پس از بررسی ادله مطرح شده، درمی‌یابیم که این فرد با تمسک به روایات غیرمستند، بهره‌گیری از منابع غیرعلمی، تقطیع روایات و تحریف معنا و دلالت آن‌ها، قصد فریب مخاطبان خود را داشته است. نو بودن این جریان در ایران و احساس نیاز به تحلیلی علمی و برگرفته از منابع مورد اعتماد این گروه، موجب شد پس از معرفی این فرد و روش تبلیغاتی او، به نقد برخی از ادله روایی اش بپردازیم.

روش این نوشتار، توصیفی - تحلیلی است و آن‌چه به دست آمده، نسبت‌های دروغ این فرد به ائمه علیهم السلام و سوء استفاده از نداشتن سواد حدیثی طرفدارانش است. همچنین تلاش شده با بررسی برخی از ادله مورد ادعا و با توجه به این‌که وصی و جانشین امام مهدی علیه السلام باید از علم و عصمت برخوردار باشد، بطلان ادعای او اثبات شود.

واژگان کلیدی

احمد، بصره، یمانی، امام مهدی علیه السلام، الحسن، دابة الارض، مهدی اول.

* استادیار و عضو هیئت علمی مرکز تخصصی مهدویت قم.

** کارشناس ارشد مهدویت (نویسنده مسئول). (tanid@ehmail.ir)

مهدویت، بزرگ‌ترین جریان معنوی - معرفتی به شمار می‌رود و دقت در بررسی مباحث آن - همانند دیگر موضوعات تخصصی - امری متعلق به اهل فن و عالمان این عرصه است. اندیشه مهدویت در عرصه‌های مختلف زندگی جوامع اسلامی، به‌ویژه شیعیان، رونقی بسیار داشته و پیروانی از جان گذشته گرد خود فراهم آورده است. بداندیشان، امویان و عباسیان زمانه، به درستی درک کرده‌اند که کمترین پیامد باور به این موضوع، احیای تفکر اسلامی، رشد فرهنگ شیعی و ظلم‌ستیزی است که این سبک از زندگی و بینش، هرگز با بنیان‌ها و دنیای آنان سازگاری ندارد. از این رو، همیشه بر آن بوده‌اند تا با آن که نمی‌توانند این فرهنگ را از بین ببرند، اما به صورت مستقیم یا از طریق مزدوران خود، آن را تحریف کرده و از پویایی آن جلوگیری نمایند.

متأسفانه نادانی برخی از دوستداران و پیروان این الهیات ناب اسلامی، سبب ریخته شدن آب در آسیاب دشمنان و سهل شدن کار آنان می‌گردد.

از این رو ارائه‌ی عالمانه‌ی فرهنگ انتظار و مهدویت ضرورتی عینی می‌یابد تا این جریان را از آسیب‌های ناشی از حرکت‌های جاهلانه و سوءاستفاده‌های شیادان حفظ کرده و همچون همیشه این فرهنگ اصیل اسلامی، الهام‌بخش همه‌ی آزادی‌خواهان جهان باشد و به جای سرخوردگی، امیدافزایی را در جامعه‌ی منتظران به ارمغان آورد.

به یقین اگر در جامعه‌ای علم، رشد یافته و تبیین صحیح و منطقی از دین صورت پذیرد و پس از بیان اصول و معیارهای عالمانه، فرهنگ پرسش‌گری در میان مردم رواج یابد، کمتر شاهد مکر و حیلۀ مدعیان دروغین و سوءاستفاده‌کنندگان از اندیشه‌ی مهدویت خواهیم بود.

از سوی دیگر، عالمان دینی و متخصصان در امر مهدویت وظیفه دارند علاوه بر تلاش در گسترش فرهنگ اصیل مهدوی، به انحرافات پاسخ داده و در غبار فتنه‌ها، حق را بر مردم نمایان سازند (کلینی، ۱۴۰۷: ج ۸، ۵۵) و مردم نیز در امور دینی و معارف الهی موظف به پیروی از متخصصان این امر - که علمای شیعه هستند - شده‌اند (طبرسی، ۱۴۰۳: ج ۲، ۴۵۸).

در این نوشتار بر آنیم که - به یاری خدای متعال - گوشه‌ای از انحرافات یکی از مدعیان نیابت امام مهدی عجله‌الله تعالی فرجه‌ه، یعنی احمد بصری را بررسی کنیم. البته به دلیل نوظهور بودن این جریان در ایران و نبود آگاهی دقیق از منابع و ادعاهای این گروه، شاهد برخی نقدهای اشتباه در این باره بوده‌ایم که وسیله‌ای برای تخریب منتقدان را در اختیار طرفداران احمد بصری قرار داده است. از این رو نخست، نگاهی مختصر اما جامع و علمی به این فرد و جریان

حامیانش می‌اندازیم.

نسب و مختصری از زندگی نامه احمد بصری

احمد بن اسماعیل، در شهر بصره در جنوب عراق به دنیا آمد. او سه دهه نخستین زندگی خود را در همان شهر سپری کرد و تحصیلاتش را تا گرفتن لیسانس و مدرک مهندسی معماری ادامه داد.

وی مدعی است در اواخر سال ۱۹۹۹ و در سن ۲۹ سالگی، به امر امام مهدی علیه السلام به نجف هجرت کرد و پنداشت که روش تدریس در حوزه علمیه دارای خلل بزرگی است؛ زیرا در حوزه علمیه، به جای توجه و تمرکز بر ثقلین - یعنی قرآن کریم و سخنان رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و معصومین علیهم السلام - به تدریس و آموزش منطق، فلسفه، اصول فقه، علم کلام (عقاید)، فقه (احکام شرعی) و زبان عربی می‌پرداختند.

او درباره علنی کردن دعوتش چنین ادعا می‌کند:

دو روز آخر از ماه رمضان از سال ۱۴۲۴ ق امام مهدی علیه السلام به من امر فرمود که خطابم را متوجه اهل زمین کنم و هر فرقه را با توجه به ویژگی‌هایش بر حسب اوامر امام علیه السلام مورد خطاب قرار دهم و در روز سوم شوال (مطابق ۱۷ آذر ۱۳۸۱) امام مهدی علیه السلام به من امر فرمود که انقلاب بر علیه ظالمان را علنی کنم و به بررسی راهکارها بپردازم و کارهای لازم را به سرعت انجام دهم. (برای مطالعه بیشتر، نک: واحد تحقیقات ...، بی تا - الف: ۳۶؛ زیادی، ۱۴۳۲: ۱۳۱؛ بصری، ۱۴۳۱: ج ۳-۱۷۳)

میردانش او را با عنوان احمد الحسن نام‌گذاری کرده‌اند و علت به کار بردن نام «الحسن» برای او، استناد به این روایت است:

وَيْسَمِيهِ بِاسْمِ جَدِّهِ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ وَيُنْسِبُهُ إِلَيَّ أَبِيهِ الْحَسَنِ الْحَادِي عَشَرَ إِلَى الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ صَلَّى صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ. (خصی، ۱۴۱۹: ۳۹۷)

در استدلال به این روایت می‌گویند که در عباراتش اشاره شده او منسوب به امام حسن عسکری علیه السلام است و از طریق ایشان به امام حسین علیه السلام متصل می‌شود (بصری، بی تا: ۶۰). در ادامه به نقد این روایت خواهیم پرداخت.

آن‌ها شجره‌نامه‌ای خودساخته ارائه داده و نسب او را چنین بیان می‌کنند: «احمد، فرزند اسماعیل، فرزند صالح، فرزند حسین، فرزند سلمان، فرزند محمد (مراد امام زمان علیه السلام است)، فرزند حسن العسکری، فرزند علی، فرزند محمد، فرزند علی، فرزند موسی، فرزند جعفر، فرزند محمد، فرزند علی السجاد، فرزند حسین، فرزند علی بن ابی طالب علیه السلام».

این نسب‌نامه ساختگی در حالی است که بنابر نظر شیروان الوائلی - وزیر امنیت دولت عراق - و گروهی از طوایف بصره، او از طایفه «همبوش» - یکی از طوایف «البوسویلم» - است و این طایفه از سادات محسوب نمی‌شود (وبسایت روزنامه الشرق الاوسط، گزارش جاسم داخل: «التیار المهدوی، یقسم العراقیین بین رافض لطروحاته و متفهم لها»).

برخورد علما با وی و واکنش احمد بصری

پس از این‌که این فرد ادعای خود را در عراق علنی کرد و با کمک گروهی از پیروانش جزوات و کتاب‌هایی منتشر نمود، برای گرفتن بیعت از مراجع تقلید و علمای عراق اقدام کرد. علما و بزرگان حوزه پس از بررسی ادعاهای این فرد، مخالفت خود را با این جریان اعلام نموده و کتاب‌های متعددی در بیان انحرافات و رد ادعای او منتشر کردند. از این‌رو، احمدحسن به تخریب چهره آنان همت گماشت و حتی عالمی بزرگ مانند آیت‌الله سیستانی - که زعامت شیعیان را به عهده دارد و با تدبیر و در نظر گرفتن مصالح امت اسلام و تشیع، به اداره اوضاع آشفته و پراز آشوب شیعیان عراق مشغول است - را عالم امریکایی معرفی کرد. وی همان روشی را در تخریب حوزه‌های علمیه شیعیه و علمای آن به کار گرفته که وهابیت سرلوحه فعالیت‌های ضدشیعی خود قرار داده است و عجیب این‌که اعتنا نکردن بزرگان به خود را دلیل بر حقانیت ادعاهایش می‌داند.

فعالیت پیروان

پیروان این فرد خود را «انصار امام مهدی (عج)» می‌نامند و فعالیتشان را با استفاده از فضای مجازی و اینترنت، ساخت برنامه‌های تبلیغاتی مانند مستند «ظهور کرده»^۱، چاپ کتاب و جزوات توسط انتشارات وابسته به جریان احمدحسن با نام «اصدارات الامام المهدی»، تبلیغ چهره به چهره در محافل عمومی اعم از مدارس، خیابان و دانشگاه‌ها، شرکت در نمایشگاه‌های کتاب فرانکفورت و بغداد در سال ۲۰۱۲، تأسیس رادیو^۲، چاپ ماه‌نامه صراط مستقیم و هفته‌نامه منجی (به صورت الکترونیکی) انجام می‌دهند.

۱. این مستند توسط گروه «هاشم‌فیلم» ساخته شده و نام اصلی آن «The Arrived» است.
 ۲. نمونه‌ای از تبلیغات افتتاح رادیو در سایت رسمی این گروه چنین است: «بفضل الله تبارک و تعالی، صبح امروز چهارشنبه ۱۳۹۱/۸/۳ برابر با ۲۴ اکتبر ۲۰۱۲ ساعت ۶ بامداد، کانال رادیویی انصار امام مهدی (عج) به مشارکت و کمک انصار امام مهدی (عج) در امریکا و کانادا افتتاح شد. در این روز مبارک، در ابتدا کلمه افتتاح را سید حسن موسوی حمای، فرزند مرجع مرحوم سید حمای - مسؤل هیئت علمی حوزه انصار امام مهدی (عج) در نجف اشرف - آغاز نمودند و بعد از ایشان، شیخ صادق محمدی - مدیر حوزه علمیه - کلمه‌ای در مورد این عمل مبارک و همچنین منجی عالم بشریت داشتند.»

برخی از ادعاهای این فرد

۱. او خود را با چهار واسطه، فرزند حضرت مهدی علیه السلام معرفی می‌کند.
۲. خود را یمانی دانسته که وظیفه زمینه‌سازی ظهور را بر عهده دارد.
۳. معتقد است پس از وفات امام زمان علیه السلام به عنوان امام و خلیفه حکومت را به دست می‌گیرد.
۴. خود را دارای عصمت، علم و میراث اهل بیت علیهم السلام می‌داند (واحد تحقیقات ...، بی تا - الف: ۳۰).
۵. معتقد است همان فردی است که به جای عیسی به صلیب کشیده شده و همراه با انبیای گذشته بوده است (بصری، ۲۰۱۰ الف: ج ۱-۴، ۲۹۹).
۶. اعتقاد دارد دو فرد با عنوان «دابة الارض» وجود دارد که بنا بر روایات، یکی از آنها علی علیه السلام است و در زمان رجعت می‌آید و دیگری خود اوست که در آخر الزمان و پیش از حضرت علی علیه السلام رجعت خواهد کرد (همو: ۲۳۵).
۷. خود را یکی از ۳۱۳ یار حضرت مهدی علیه السلام می‌داند.
۸. خود را صاحب بیرق رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم می‌داند و دلیلش این است که بر روی پرچمش نوشته شده است «البيعة لله!» (واحد تحقیقات ...، بی تا - الف: ۲۵).
۹. علم اصول، فلسفه، منطق، رجال و سندشناسی را بدعت می‌داند (همو: ۳۷).
۱۰. تقلید از مراجع را جایز نمی‌داند و خود را تنها پاسخ‌گو معرفی کرده است (بصری، ۲۰۱۰ الف: ج ۱، ۱۰۱).^۱
۱۱. در میان مراجع تنها به امام خمینی علیه السلام و شهید سید محمد صدر - صاحب موسوعه امام مهدی علیه السلام - احترام می‌گذارد که البته این مطلب با توجه به دیگر عقاید او، برای مریدانش نیز حل نشده است (بصری، ۱۴۳۱: ج ۱-۳، ۴۸، ۷۶، ۳۱۵).
۱۲. خواب و استخاره را از جمله ادله اثبات خود بیان می‌کند و خواب را کوتاه‌ترین راه اثبات خود می‌داند (همو: ۹).
۱۳. امر رجعت بعد از تمام شدن حکومت ۱۲ امام (مهدیین) - که جانشین حضرت مهدی علیه السلام بوده‌اند و اولین آنان احمد بصری است - رخ خواهد داد.^۲

۱. همچنین جزوه‌ای تفصیلی با عنوان «البيان المفيد في بيان بدعة التقليد» به قلم عبدالعالی المنصوری چاپ کرده‌اند.

۲. این موضوع را در رساله‌ای مستقل با نام «الرجعة ثالث ایام الله الكبرى» به بحث نهشته‌اند.

۱۴. همه کتاب‌های نوشته شده در انتشارات انصار الامام المهدی و سایت رسمی انصار، مورد تأیید احمد بصری است و آن‌ها را ملاک دعوت خود می‌داند^۱ (بصری، ۲۰۱۰: ب: ۲۹؛ همو، ۲۰۱۰: ج: ۲۵؛ همو، ۱۴۳۱: ج ۴-۶، ۵۲۷ و ۵۸۳).

نقد و بررسی ادله احمدحسن و پیروانش

تا کنون کتاب‌ها و سخنرانی‌های متعددی در نقد این جریان صورت گرفته است که بهترین نمونه آن، کتاب *دعوة احمد الحسن بين الحق والباطل*^۲ است. گفتنی است در تحلیل ادعاهای این فرد می‌توان به بررسی ترتیبی پرداخت؛ بدین‌گونه که همه ادله آنان را نقد کنیم، یا این‌که به نقد قسمتی از این ادله بپردازیم. در این نوشتار به چند دلیل گزینه دوم را برگزیده‌ایم؛ از جمله این‌که سخن گزافه گفتن مشکل نیست و این روش در میان همه مدعیان مرسوم بوده است که به اصطلاح از طریق ارائه رطب و یابس و یا آسمان ریسمان بافتن، ادعاهای خود را اثبات نمایند. در این شرایط لازم است نقاد، تدبیر امر را به دست گرفته و در دام آن‌ها گرفتار نشود، وگرنه باید همه عمر خود را برای تحلیل ادله مدعیان متعدد صرف کند. همچنین برخی از مباحث ارائه شده از سوی احمد بصری، توسط علما تحلیل شده و پاسخ‌های متعددی در اختیار محققان قرار دارد که ما را از بحث مجدد بی‌نیاز می‌کند؛ مباحثی مانند شرعی بودن یا نبودن خمس دادن به فقها در دوران غیبت، درستی یا نادرستی بررسی اسناد روایات و بهره‌گیری از علم رجال، دینی یا غیردینی بودن مباحث منطقی و فلسفه، مباحث رجعت و... .

نکته‌ای که باید درباره موضوع‌های مذکور بدان توجه شود، این است که وارد کردن اشکال همیشه راحت است، اما در پاسخ به این پرسش‌ها باید به بیان مقدمات و مبانی‌ای پرداخت که از حوصله این نوشتار و خوانندگان به دور است. از این‌رو خواننده گرامی را به کتب و مقالاتی که به این موضوع پرداخته‌اند ارجاع می‌دهیم (برای مثال، نک: ترابی، ۱۳۸۷: ۳۵؛ حسینی قزوینی، ۱۴۳۰: ج ۱، ۳۷۱ و ج ۲، ۵۸۰).

دیگر دلیل به‌کارگیری روش دوم، این است که وی مدعی است معصوم بوده و دارای علم رسول خدا ﷺ است و تمام ادله او صحیح بوده و امکان رد کردن آن‌ها وجود ندارد. ما نیز از این زاویه که اگر تعدادی از دلایل او را رد کنیم و دروغ‌گو بودن او را اثبات نماییم، توانسته‌ایم

۱. در نتیجه نمی‌توانند اشکال‌های وارد شده به کتب را تنها به انتشارات انصار نسبت دهند.

۲. این کتاب از نویسنده‌ای با عنوان نمادین «طالب الحق» است و نسخه الکترونیک آن در اینترنت، در دسترس همگان قرار دارد.

ریشه ادعاهای او را از بین ببریم، به نقد برخی از ادله اش بسنده می‌کنیم. در بررسی ادعاهای این فرد، به سه محور استفاده از روایات غیرمعتبر و جعلی، تقطیع روایات و تحریف معنا و مراد روایت، اشاره خواهیم کرد و برای هر قسمت نمونه‌هایی را از میان مصداق‌های متعدد ذکر خواهیم کرد.

۱. استفاده از روایات غیرمعتبر و جعلی

یکی از مشکلات در حوزه مباحث مهدویت، ساخته شدن روایاتی برای منافع فرقه‌ای و نیز پدیدار شدن روایت‌های تازه یافت در منابع متأخر است. توسط برخی نویسندگان، روایت‌هایی مطرح شده که نه تنها دلیلی بر پذیرش آن‌ها وجود ندارد، بلکه شواهدی درباره اعتبار نداشتنشان موجود است. مدعیان دروغین از این مطلب استفاده کرده و در مسیر پیشبرد اهداف خود، این دسته از نشانه‌ها را پررنگ نموده‌اند. برای مثال، برای گسترش هرچه بیشتر ادعای مهدویت عبیدالله المهدی در آفریقا، داعیان اسماعیلیه بر اساس بعضی روایات منسوب به اهل بیت علیهم‌السلام که «ظهور مهدی از مغرب خواهد بود»، روایاتی جعل کرده و پیش‌بینی می‌کردند ظهور، در سال غلبه فاطمیان بر آفریقا خواهد بود. آنان از امام هادی علیه‌السلام روایتی نقل می‌کردند که فرموده است: «با گذشت ۴۲ سال، بلا و گرفتاری‌ای که گرفتار آن هستید، رفع خواهد شد.»

مبلغان اسماعیلی برای جلب اقوام بربر و بادیه‌نشین به مهدویت، احادیثی جعل کردند که بر اساس آن‌ها، مهدی موعود از بین اقوام شیعه‌نشین ظهور خواهد کرد. بیشترین احادیث، ظهور مهدی را از نواحی دوردست کشورها و کناره‌های سرزمین‌های آباد مانند «زاب» در آفریقا و «سوس» در مغرب تعیین می‌کرد (عرفان، ۱۳۸۸: ۱۴۵؛ همچنین نک: جعفریان، ۱۳۹۱: ۳۰ و ۳۹).

احمد بصری نیز از قافله دیگر مدعیان جا نمانده و در دعوت خود، به برخی روایت‌های نشانه ظهور استناد کرده است که هیچ جایگاه علمی ندارند. از جمله روایت‌های مورد اشاره او عبارتند از:

الف) روایت رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم درباره ملک فهد

عن مسند احمد عن النبي صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم: يحكم الحجاز رجل اسمه على اسم حيوان إذا رأته حسبت في عينه الحول من البعيد وإذا اقتربت منه لا ترى في عينه شيئاً، يخلفه له أخ اسمه عبد الله، ويل لشيعتنا منه - أعادها ثلاثاً - بشروني بموته أبشركم بظهور الحجة؛ (طباطبایی حسنی، ۱۴۲۹: ۱۳۷)

در *مسند احمد بن حنبل* آمده است که رسول خدا ﷺ فرمود: مردی که اسمش، اسم حیوان است^۱ بر حجاز (عربستان) حکومت می‌کند. اگر از دور به او نگاه کنی، در چشمش انحراف (چپی) می‌بینی، ولی اگر به او نزدیک شوی در چشمش مشکلی نمی‌بینی. جانشین یا خلیفه‌اش برادرش به نام عبدالله خواهد بود. وای بر شیعه ما از دست او! - پس این جمله را سه بار تکرار کرد - بشارت مرگش را به من بدهید، شما را به ظهور حجت بشارت می‌دهم.

در توضیح این ادعا آمده است:

فهد به معنای یوزپلنگ است و فهد در سال ۲۰۰۵ مُرد و حکومت حجاز به برادرش عبدالله رسید. طبق معمول نظام‌های پادشاهی، حکومت از پدر به پسر می‌رسد، ولی در نظام حکومت آل سعود در عربستان، این یک استثناست و حکومت از برادر به برادر می‌رسد و پیامبر اکرم با این توضیحات، مصداق را دقیقاً روشن فرموده‌اند. تصاویر انحراف چشمان فهد از دور و عدم انحراف چشمان او از نزدیک نیز در وب‌سایت انصار موجود است. (واحد تحقیقات ... ، بی تا - الف: ۱۱)

همچنین می‌گویند:

ان شاء الله با این علامات از آیات و احادیث اهل بیت علیهم‌السلام، برای همه مشخص شده باشد که ما در عصر ظهور هستیم. پس قطعاً بایستی امام مهدی علیه‌السلام و یا وصی و رسول ایشان و یا امر ایشان ظهور کرده باشند. (زیادی، ۱۴۳۲: ۱۸؛ واحد تحقیقات ... ، بی تا - ب: ۱۶)

شیخ حیدر زبیدی صریح‌تر از متن فوق اشاره می‌کند که با توجه به این روایت، نشانه ظهور احمد بصری تحقق یافته و ظهور امام مهدی علیه‌السلام در حال تحقق است (زیادی، ۱۴۳۲: ۱۷).
منبع روایت: بنابر نقل منابع تبلیغاتی طرفداران احمد، اولین منبع این روایت، کتاب *مئاتان و خمسون علامه حتی ظهور الامام المهدي* اثر محمد علی طباطبایی حسنی است.^۲ با مراجعه به کتاب *مسند احمد بن حنبل* و سایر متون روایی شیعه و سنی، درمی‌یابیم که این روایت وجود خارجی ندارد و تا کنون کسی آن را ذکر نکرده است. جالب این‌که نویسنده کتاب *مئاتان و خمسون علامه*، خود نیز این روایت را در هیچ منبع حدیثی ندیده است و در استناد آن به *مسند احمد* و رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم چنین می‌گوید:

۱. فهد = یوزپلنگ.

۲. این فرد خود را به صورت خود خوانده، علامه معرفی می‌کند و مبلغانی از سوی احمد، برای انحراف ذهن مخاطبان، از او با نام «علامه طباطبایی» نام می‌برند تا گمان شود نویسنده کتاب، علامه طباطبایی - صاحب *تفسیر المیزان* - است.

هَذَا الْخَبْرُ نَقْلُهُ إِلَى أَحَدِ الْفَضَلَاءِ الْمَطْلُوعِينَ؛ (طباطبایی حسنی، ۱۴۲۹: ۱۳۷)

این خبر را یکی از فضلی مطلع !!! برای من نقل کرده است.

عجیب است احمد بصری - که ادعای علم امامت دارد - نفهمیده که این روایت در مستند احمد و هیچ منبع روایی معتبر دیگری وجود ندارد و به نوعی دروغ بستن به رسول خدا ﷺ به شمار می‌رود.

این کتاب نه تنها از منابع دست اول و معتبر نیست، بلکه در آن مواردی وجود دارد که بر عدم دقت علمی نویسنده آن دلالت دارد؛ مواردی مانند توجه به تطبیق‌گرایی - که اگر چه به صورت احتمالی بیان می‌کند، اما در این زمینه افراط دارد - از قبیل تطبیق لفظ «جهجاه» به محمدرضا پهلوی با این توجیه که این عبارت برگردان شاهنشاه است! (همو: ۱۲۱)، بیان احتمالی زمان ظهور (همو: ۲۰۵)، استفاده از سخنانی با عنوان روایت - که در منابع روایی مشابه نداشته و در هیچ منبع روایی پیش از دوران مشروطه نیز وجود ندارد (خبرآنلاین، رسول جعفریان: «بازار گرم تطبیق علایم ظهور در مشروطه») - همچون به کار بردن عبارت «طهران» و بیان ویژگی زنان تهرانی در روایتی منسوب به امام صادق علیه السلام (همو: ۱۶۴)، استفاده از منابع غیرمعتبر در مباحث مهدویت مانند *نوائب الدهور، بیان الائمه سید مهدی نجفی، عقاید الامامیه* سید ابراهیم زنجانی و... (نک: عاملی، ۱۴۲۴).

نویسنده کتاب معتقد است نیازی به بررسی و جدا کردن روایات معتبر از غیرمعتبر در مباحث مهدوی وجود ندارد (طباطبایی حسنی، ۱۴۲۹: ۱۰). او با همین نگاه به سخنانی عجیب به نام اهل بیت علیهم السلام اشاره می‌کند و در پایان کتابش با توجه به خوابی که مادرش دیده است، خود را از یاران امام زمان علیه السلام می‌داند و معتقد است در حیات او ظهور اتفاق خواهد افتاد (همو: ۲۰۲).

محتوای روایت: این روایت هیچ دلیلی بر مدعای احمد بصری نیست و تنها به صورت کلی به ظهور حجت اشاره می‌کند و مشخص نیست انصار و مریدان احمد (نک: خطاب، ۲۰۰۹: ۳۴)، با چه استدلالی عبارت «حجة» را به او تطبیق می‌دهند. از طرف دیگر، باید مراد از مرگ خلیفه، مرگ ملک عبدالله باشد نه ملک فهد؛ زیرا مطابق با قوانین ادبی باید ضمیر را به نزدیک‌ترین مرجع آن بازگرداند، و نزدیک‌ترین مرجع برای ضمیر، نام عبدالله بوده و اگر بخواهیم به روایتی مشابه نیز اشاره کنیم، شیخ طوسی مرگ حاکمی به نام عبدالله را از نشانه‌های ظهور دانسته است، نه فردی به نام فهد.^۱

۱. شیخ طوسی در روایتی چنین می‌گوید: «عَنْ أَبِي بَصِيرٍ قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام يَقُولُ: مَنْ يَضْمَنَ لِي مَوْتَ عَبْدِ اللَّهِ أَضْمَنَ لَهُ الْقَائِمَ...» (طوسی، ۱۴۱۱: ۴۴۷). فارغ از این که این روایت مشخص نمی‌کند که مراد از عبدالله کیست و دست‌کم در

با این سخن باید به احمد بصری متذکر شد که پیش از موعد آمده است و بر فرض پذیرش روایت منسوب به رسول خدا ﷺ، باید صبر کند تا ملک عبدالله از دنیا برود.

ب) روایت خلع حاکم مصر

عن علی عليه السلام: ... صاحب مصر علامة العلامات وآيته عجب لها إمارات، قلبه حسن و رأسه محمد و یغیر اسم الجد، إن خرج من الحکم فاعلم ان المهدی سيطرق أبوابکم، فقبل أن یقرعها طيروا الیه فی قباب السحاب (الطائرات) أو أتوه زحفاً و حبواً علی الثلج؛ (داود، بی تا - الف: ۴۱۲)

از علی عليه السلام نقل شده است: صاحب مصر علامت علامت هاست و نشانه او آن است که دارای امارت (حکومت) است. قلب او حسن است و سراو محمد و نام جدش را تغییر می دهد. اگر بیرون رفت بدانید که مهدی درهای شما را خواهد کوبید. پس پیش از آن که درهاتان را بکوبد به سوی او ولو بر روی ابرها پرواز کنید یا سینه خیز بر روی برف (بخ) بشتابید.

بنابر ادعای این گروه، مراد از پادشاه مصر، «محمد حسنی سید المبارک» است که ابتدای نام او محمد، وسط آن حسن و با حذف نام جد خود یعنی سید، به صورت «محمد حسنی مبارک» خوانده شده و اکنون از حکومت خلع گردیده، در نتیجه مهدی باید درب خانه شما را زده باشد، که آن هم احمد بصری است (واحد تحقیقات ...، بی تا - الف: ۱۱).

منبع روایت: سایت های رسمی احمد و منابع تبلیغاتی او، آدرس این سخن را کتاب *ماذا قال علی عليه السلام عن آخر الزمان* تألیف سید علی عاشور، دانسته اند، در حالی که اولین منبع این سخن، کتاب *المفاجأة بشرک یا قدس* تألیف محمد عیسی داود است. نقطه اشتراک هر دو کتاب در این است که هیچ یک از منابع معتبر و مصادر اولیه نقل حدیث نیستند و با توجه به این که این افراد خود نیز از معاصران بوده و امیر المؤمنین عليه السلام را درک نکرده اند، باید از منبعی معتبر آدرس دهند که چنین اتفاقی نیز رخ نداده است.

نویسنده کتاب *المفاجأة* یکی از روزنامه نگاران و اساتید دانشگاه مصر است که ادعا دارد نزد برخی از اولیای خدا علوم غریبه را آموزش دیده است. این فرد سنی بوده و نسب خود را به امام حسن مجتبی عليه السلام می رساند. وی اعتقاد دارد مقداری از علوم اهل بیت عليهم السلام به ویژه علومی موجود از علم جعفر حضرت علی عليه السلام در اختیار پدر، عمو و خود اوست (همو: ۵۷). او علم جعفر را

زمان ما می تواند به پادشاه عربستان و اردن تطبیق یابد و الزامی در تطبیق آن به پادشاه عربستان نیست، علی بن یوسف بن مطهر حلی (برادر علامه حلی و درگذشته ۷۰۳ق) در کتاب خود، مراد از این عبدالله را آخرین پادشاه بنی العباس (عبدالله المستعصم - ۶۵۶ق -) می داند و این واقعه ای است که رخ داده است. (نک: حلی، ۱۴۰۸: ۷۸)

علم اعداد دانسته و با تدوین کتاب‌هایی و ادعای آموزش در این باره، سخنانی را به حضرت علی علیه السلام نسبت می‌دهد که تا کنون هیچ‌یک از علمای شیعه و اهل سنت بدان اشاره نکرده‌اند. در کتاب او تصریح امام علی علیه السلام به نام کشورهای امریکا، اسرائیل، نپال، تبت، کره شمالی و جنوبی، اروپا، سنگاپور و... و حتی بیان نام انورسادات، اختلافات در مصر و جریان صلح کمپ دیوید را می‌بینیم (نک: همو: ۴۱۲، ۴۳۸، ۴۳۹، ۴۷۲) و در اصل، هر آن‌چه را که در پیرامون ما اتفاق افتاده است را در قالب روایتی از علی علیه السلام بیان می‌کند! اگرچه این فرد ادعا دارد که علوم نابی را در اختیار دارد، اما تولد حضرت مهدی علیه السلام را در مدینه - نه سامراء - دانسته و مطابق با عقاید اهل سنت، آن حضرت را از نسل امام حسن مجتبی علیه السلام می‌داند. نکته درخور تأمل این‌که در بخشی از کتابش پس از بحث درباره مرگ فردی با نام عبدالله در آخرالزمان - که در روایت پیشین بدان اشاره شد - محبت شدید خود به ملک عبدالله پادشاه عربستان را کتمان نمی‌کند و می‌کوشد او را به عنوان انسانی شجاع، ضد امریکایی و متدین معرفی کند (همو: ۳۹۳).

همچنین بسیار عجیب است با این‌که این فرد چنین اطلاعاتی را برای خود دانسته، اما خلیفه اول و دوم و همچنین معاویه را از اولیای خدا و خواص معرفی می‌کند (همو: ۷۸ و ۸۴) و در کتابی دیگر - که درباره امام مهدی علیه السلام نگاشته است - قذافی را یکی از زمینه‌سازان ظهور معرفی می‌کند (داود، بی تا - ب: ۱۳۶ و ۱۳۸).

اگرچه نویسنده مذکور ادعا دارد مقداری از علم جفر ائمه علیهم السلام در اختیار اوست و مطالب خود را در کتابی جداگانه با عنوان *الجفر، أسرار الهاء فی الجفر* به چاپ رسانده است، اما باید توجه داشت که یقیناً ادعای این فرد اشتباه است و علم جفر ذکر شده در احادیث اهل بیت علیهم السلام از منابع اختصاصی علوم ائمه علیهم السلام به شمار می‌رود و در اختیار هیچ‌کس دیگری قرار نمی‌گیرد (نک: صفار، ۱۴۰۴: ج ۱، ۱۵۱؛ کلینی، ۱۴۰۷: ج ۱، ۲۳۸). آن‌چه امروزه به عنوان علم جفر آموزش داده می‌شود، با علم جفر موجود نزد امامان معصوم علیهم السلام متفاوت است و نمی‌توان با توجه به علوم غریبه‌ای که در اختیار برخی از اولیای خدا و حتی برخی از شیادان قرار دارد، آن‌چه را به دست آورده‌ایم به ائمه علیهم السلام نسبت دهیم و به عنوان روایت نقل کنیم؛ چراکه این امر نیز مصداق دروغ بستن به اهل بیت علیهم السلام است.

نکته دیگر درباره روش کاری محمد عیسی داود، این است که به نسخ خطی‌ای اشاره دارد که گویا تنها در دسترس اوست و گزارش‌هایی را از آن‌ها عنوان می‌کند که ساختگی بودنشان مخفی نیست. یکی از محققان معاصر، شگرد برخی از شیادان را چنین توضیح می‌دهد:

استناد به آثار مخطوط غیررسمی و ناشناخته؛ از قدیم‌الایام رسم بر این بوده است که

در این زمینه (ادعاهای ظهور)، به آثار مخطوطی استناد می‌شده که در دسترس عموم قرار نداشته است. برای مثال، گفته می‌شود فلان مطلب را در نسخه‌ای در خانه فلان شخص دیده است، اما اکنون نمی‌داند در اختیار کیست؛ یا در نسخه‌ای کهنه آن را دیده است که در خانه فلان شیخ در فلان شهر دوردست بوده است. در این زمینه آثاری که به عنوان جفر و جامعه شناخته شده، گاه منسوب به علی علیه السلام یا منسوب به امام صادق علیه السلام است، نقش مهمی را بر عهده دارد. غالب این متون برای دیگران شناخته شده نیست؛ به علاوه نسخه‌های فراوان و متعدد و متفاوتی که بیشتر مربوط به علم اعداد و حروف و شامل جدول‌های عجیب و غریب نجومی و غیره است، در دست است که هیچ‌گونه نسبت و استناد آنان به قرون اولیه اسلامی هم ثابت نیست، چه رسد به معصومین علیهم السلام. (جعفریان، ۱۳۹۱: ۴۰)

محتوای روایت: برخلاف نظر طرفداران احمد، مراد نویسنده کتاب *المفاجاة* از عبارت «إن خرج»، سقوط و خلع نیست تا با سقوط دولت حسنی مبارک منتظر ظهور مهدی علیه السلام باشیم، بلکه این فرد اعتقاد داشته که صاحب مصر و محمد حسنی مبارک برای زمینه‌سازی ظهور، خروج و قیام کرده و از زمینه‌سازان ظهور مهدی علیه السلام به شمار می‌رود و مراد از «إن خرج»، جنبش حسنی مبارک در راستای ظهور است. او مدعی است فرد زمینه‌ساز ظهور، نام جد خود را تغییر می‌دهد^۱ و صاحب و حاکم مصر است.^۲ همچنین در کتابی دیگر از این نویسنده، حسنی مبارک به عنوان «شیر مصر» معرفی شده و نام او را به صورت رمزی «محمد ح» ذکر می‌کند.^۳

افزون بر مطالب گذشته، دلیلی وجود ندارد که مراد از مهدی در روایت یاد شده، احمد بصری باشد.

۲. تقطیع روایات

گاهی فردی برای اثبات ادعای خود به قسمتی از یک روایت اشاره می‌کند که در صورت بیان آن به صورت کامل و تمام، دلیلی بر ادعای آن‌ها نیست. از این رو تقطیع و برش زدن روایات، از نمونه شگردهای مدعیان دروغین بوده و با این عمل راهی برای ادعای خود جست‌وجو می‌کنند.

۱. «مصر سند المهدی، ... والذی فلق الحیة و برأ النسم أنه للممهد للمهدی و هو عالی القدر أحمر الخد ملیح الصورة، یغیر اسم الجد... و نصفه العلوی أحسن من السفلی...» (داود، بی تا - الف: ۳۷۳)
۲. «والملك رجل یکنى المنصور، أبيض الوجه، مشرباً بحمرة، أزهر الجبین، کبیر السن لکنه قوی الجسد، و حاد الذکاء، یقال له "صاحب مصر"... وهو یسبق خروج فتی من الجزيرة العرب یسمى المهدی...» (همو: ۳۷۹)
۳. در این کتاب مطالبی عجیب‌تر از کتاب *المفاجاة* آمده است. (برای مثال، نک: همو، بی تا - ب: ۵۹، ۲۱۰، ۲۱۳، ۲۱۶، ۲۷۶)

احمد بصری نیز برای اهداف خود از این شیوه استفاده نموده و برخی از ادله دعوت خود را با این ترفند بیان می‌کند.

الف) احمد از بصره^۱

أَنَّ الصَّادِقَ عَلَيْهِ السَّلَامُ سَمِيَ أَصْحَابَ الْقَائِمِ عَلَيْهِ السَّلَامُ لِأَبِي بَصِيرٍ فِيمَا بَعْدَ فَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: ... وَمِنَ الْبَصْرَةِ

أحمد؛ (آل سید حیدر کاظمی، بی تا: ۲۱۹)

امام صادق علیه السلام در معرفی یاران حضرت مهدی علیه السلام فرمود: ... در بصره احمد است.

از جمله روایاتی که برای اثبات نام احمد در روایات ادعا می‌شود، روایت فوق است. آن‌ها مدعی اند که اهل بیت علیهم السلام به نام احمد تصریح کرده‌اند و این از مصادیق بیان امامت یک امام توسط امام پیش از خود است (بصری، ۱۴۳۱: ج ۱، ۶۵).

منبع اصلی این روایت کتاب *دلائل الامامة* است و اگرچه در انتساب آن به محمد بن جریر طبری - از علمای هم عصر شیخ طوسی - تردید وجود دارد (نک: صفری فروشانی، ۱۳۸۴: ۲۲۳؛ انصاری، ۱۳۷۳: ۱۳۸)، اما قدمت این کتاب به قرن پنجم هجری می‌رسد و از منابع متقدم به شمار می‌رود (نک: تهرانی، ۱۴۰۳: ج ۸، ۲۴۲). در همه منابع متأخر نیز این روایت را از *دلائل الامامة* نقل کرده‌اند؛ از جمله کتاب *بشارة الاسلام* که احمد بصری نشانی روایت را از این منبع ذکر می‌کند.

با مراجعه به متن اصلی روایت، به تقطیع شدن آن توسط احمد بصری پی می‌بریم. عبارت کامل چنین است:

وَمِنْ الْبَصْرَةِ: عَبْدُ الرَّحْمَنِ بْنُ الْأَعْظَمِ بْنِ سَعْدٍ، وَأَحْمَدُ بْنُ مُلَيْحٍ، وَحَمَّادُ بْنُ جَابِرٍ. (طبری، ۵۷۵: ۱۴۱۳)

به تصریح روایت، فردی با نام احمد از بصره، فرزند ملیح است نه فرزند اسماعیل؛ و این روایت نه تنها تصریحی بر نام احمد بن اسماعیل بصری ندارد، بلکه دلیلی برای رد ادعای او نیز به شمار می‌رود.

ب) اولین یار مهدی علیه السلام از بصره (برای مطالعه بیشتر، نک: آیتی، ۱۳۹۲: ۵ - ۴۹)

عَنْ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: ... أَلَا وَإِنَّ أَوْلَهُمْ مِنَ الْبَصْرَةِ؛ (آل سید حیدر کاظمی، بی تا: ۲۲۱)

۱. در این جا به اختصار، به بیان این روایت پرداختیم. برای دیدن پاسخ کامل به همراه نقد توجیهات یاران احمد بصری، نک: آیتی، ۱۳۹۲: ۵.

۲. نویسنده این کتاب درگذشته سال ۱۳۳۶ قمری، یعنی حدود صد سال پیش است.

امیر المؤمنین علیه السلام [در خطبه‌ای] فرمود: اولین یاران مهدی از بصره هستند.

در این روایت تصریح شده است که اولین یاران مهدی علیه السلام از بصره هستند و چون احمد بن اسماعیل نیز اهل آن دیار است، بر او تطبیق می‌دهند (بصری، ۱۴۳۱: ج ۱، ۶۵).
 نخستین منبعی که پیش از *بشارة الاسلام* این روایت را با متن ذکر شده نقل کرده، کتاب *الناصب*^۱ است (حائری یزدی، ۱۴۲۲: ج ۲، ۱۶۶). این کتاب، روایت را با عنوان «خطبة البيان» و از علی علیه السلام نقل می‌کند (برای بررسی سند و اقوال علما درباره اعتبار نداشتن این خطبه، نک: شهبازیان، ۱۳۸۹: ۲۸). هر دو منبع، نام افرادی را که به عنوان یار مهدی علیه السلام در بصره ذکر شده، علی و محارب آورده‌اند که نه تنها دلالتی بر نام احمد ندارد، بلکه دروغ‌گویی او را بیش از پیش بر ما آشکار می‌کند.

الا وان اولهم من البصرة، و آخرهم من الابدال، فأما الذين من البصرة فعلى و محارب؛
(آل سید حیدر کاظمی، بی‌تا: ۲۱۱)
 بدانید اولین آنان از بصره و آخرینشان از ابدال هستند. پس آنان که از بصره‌اند [نامشان] علی و محارب است.

ج) پیش‌گویی سطیح کاهن

فقال سطیح^۲: ... فعندها يظهر ابن المهدي؛ (آل سید حیدر کاظمی، بی‌تا: ۱۸۷)
 سطیح کاهن می‌گوید: در آخرالزمان فرزند مهدی ظهور خواهد کرد.

بنابر این روایت، آنان ادعا دارند با توجه به این‌که احمد فرزند حضرت مهدی علیه السلام است، این سخن به ظهور او اشاره دارد (عقیلی، ۱۴۲۵: ۱۵).
 نخست باید متذکر شد که این سخن از یک کاهن نقل شده و اعتبار سخن معصوم علیه السلام را ندارد و حتی به فرض این‌که درست نقل شده باشد، باز هم بر ادعای احمد دلالت نمی‌کند. اما نکته مهم‌تر، تقطیع دوباره خبری دیگری است که نشان از راهزنی علمی این گروه دارد.
 کهن‌ترین منبعی که قسمتی از عبارات‌های این خبر را ذکر کرده است، کتاب *الملاحم* ابن منادی (۳۳۶ ق) - از محدثان اهل سنت - است (ابن منادی، ۱۴۱۸: ۵۱، البته عبارت مذکور

۱. این کتاب در سال ۱۳۲۴ قمری نگاشته شده (نک: حسینی جلالی، ۱۳۸۰: ج ۲، ۲۶۹) و کتاب *بشارة الاسلام* - بنابر تصریح مؤلفش در پایان کتاب - در سال ۱۳۳۲ تألیف گردیده است.

۲. نام اصلی سطیح، ربیعة بن مازن است. درباره او می‌گویند: «و سَطِيحٌ: هذا الكاهن الذَّبِّيُّ، من بني ذُبِّب، كان يتكهن في الجاهلية، سمي بذلك لأنه كان إذا غضب قعد منبسطاً فيما زعموا؛ وقيل: سمي بذلك لأنه لم يكن له بين مفاصله قَصْبٌ تَعْمِدُهُ، فكان أبدأً منبسطاً.» (ابن منظور، ۱۴۱۴: ج ۲، ۴۸۳؛ همچنین نک: صدوق، ۱۳۹۵: ج ۱، ص ۱۹۱ - ۱۹۶؛ بکری، بی‌تا: ۱۳۴)

در این کتاب ذکر نشده است). در میان عالمان شیعی نیز اولین منبع نقل این خبر، کتاب *مشارق انوار الیقین* اثر حافظ رجب برسی (۸۱۳ق) بوده و تمام منابع متأخر دیگر مانند *بحار الانوار* از این کتاب نقل می‌کنند (برسی، ۱۴۲۲: ۲۰۰).

پس از مراجعه به کتاب *مشارق انوار الیقین* و مصدر نقل *بشارة الاسلام* - که *بحار الانوار* است - درمی‌یابیم که در *بشارة الاسلام* اشتباه چاپی رخ داده و عبارتی از قلم افتاده است. متن درست خبر چنین است:

فعندها يظهر ابن النبي المهدي؛ (همو؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۵۱، ۱۶۳)

در آخر الزمان فرزند رسول خدا ﷺ، یعنی حضرت مهدی ﷺ ظهور خواهد کرد.

این همان اعتقاد همه مسلمانان جهان است که روزی حضرت مهدی ﷺ - که از نسل رسول خدا ﷺ است - ظهور خواهد کرد.

برخی از مبلغان این گروه، ادعا می‌کنند شاید در نسخه‌ای خطی عبارت «ابن المهدي» باشد و در نسخه موجود نزد صاحب کتاب *بشارة الاسلام* نیز عبارت «ابن المهدي» بوده است. (دیراوی، ۲۰۱۲: ۴۴) این گروه، نه تنها دلیلی بر این مدعا ذکر نمی‌کنند و نسخه‌ای که چنین عبارتی داشته باشد در اختیار ندارند، بلکه با توجه به این که عبارت *بشارة الاسلام* از *بحار الانوار* بوده^۱ و در تمامی نسخ *بحار الانوار* و *مشارق انوار الیقین*، «ابن النبي المهدي» آمده است، تردیدی در اشتباه این گروه باقی نمی‌ماند. اگرچه ممکن است برخی الفاظ نقل شده در *بحار الانوار* و *مشارق انوار الیقین* با یکدیگر تفاوت داشته باشند، اما از قضا در این عبارت، هیچ نسخه‌ای با نسخه دیگر تعارض و تفاوت ندارد.

۳. تحریف معنا و مقصود روایت

احمد و یارانش برای اثبات ادعای خود، به تغییر معنا در روایات روی آورده و اخباری که به آن‌ها ارتباط ندارد و درباره حضرت مهدی ﷺ نقل شده است را به خود نسبت می‌دهند. در این جا به تعدادی از برداشت‌های نادرست این گروه اشاره می‌کنیم:

الف) نام مخفی و نام آشکار

قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَهُوَ عَلَى الْمُنْتَبَرِ: يَخْرُجُ رَجُلٌ مِنْ وُلْدِي فِي آخِرِ الزَّمَانِ أَبْيَضُ اللَّوْنِ مُشْرَبٌ بِالْحُمْرَةِ مَبْدَحُ الْبَطْنِ عَرِيضُ الْفَخْدَيْنِ عَظِيمٌ مُشَاشُ الْمُنْكَبَتَيْنِ يَطَّهْرُهُ شَامَتَانِ

۱. عجیب است این گروه نمی‌فهمند که عبارت *بشارة الاسلام* از منبعی غیر از *بحار الانوار* نیست تا بحث از نسخه بدل پیش آید.

شَامَةٌ عَلَى لَوْنِ جِلْدِهِ وَشَامَةٌ عَلَى شَبِّهِ شَامَةِ النَّبِيِّ ﷺ لَهُ اسْمَانِ اسْمٌ يَخْفَى وَاسْمٌ يَعْلُنُ فَأَمَّا الَّذِي يَخْفَى فَأَحْمَدُ وَأَمَّا الَّذِي يَعْلُنُ فَمُحَمَّدٌ؛ (صدوق، ۱۳۹۵: ج ۲، ۶۵۳)

امیرالمؤمنین علیه السلام بر فراز منبر فرمودند: از فرزندان من در آخر الزمان فرزندی ظهور کند که رنگش سفید متمایل به سرخی و سینه اش فراخ و ران هایش سطر و شانه هایش قوی است و در پشتش دو خال است؛ یکی به رنگ پوستش و دیگری مشابه خال پیامبر صلی الله علیه و آله و دو نام دارد؛ یکی نهران و دیگری آشکار. اما نام نهران احمد و نام آشکار محمد است.

آنان بر این باورند که مراد از عبارت «اسم» در این جا «شخصیت» است و نمی توان آن را حمل بر معنای حقیقی «اسم» که نام افراد است کرد. از این رو مدعی هستند که در روایت، به شخصیت مخفی و گمنام احمد در برابر شخصیت آشکار و شناخته شده حضرت مهدی علیه السلام اشاره شده است (نک: بصری، ۲۰۱۰ الف: ج ۱-۴، ۲۲۹).

بسیار عجیب است که این افراد در تعیین مصداق برای صفات ذکر شده در ابتدای روایت تصریح می کنند این ویژگی ها به امام مهدی علیه السلام اختصاص دارد و علی علیه السلام در مقام بیان ویژگی های جسمانی حضرت مهدی علیه السلام بوده است، اما بدون دلیل، ادامه روایت را اشاره به دو فرد می دانند (نک: زیادی، ۱۴۳۲: ۵۸).

اشتباه این گروه در استدلال به روایت بر کسی پوشیده نیست، و استدلال آنان جز ناآگاهی از فقه الحدیث و درک متن دلیلی ندارد.

همان گونه که در ابتدای روایت بیان شده است، امام علی علیه السلام همه این ویژگی ها و عبارت نام آشکار و مخفی را برای یک فرد ذکر نموده، نه دو نفر؛ و از عبارت هایی مفرد مانند «یخرج رجل»، «له»، «رأیته» و «یده» استفاده کرده است. به یقین امام علی علیه السلام دو اسم را برای یک فرد بیان کرده است و مراد آن حضرت در این روایت، امام مهدی علیه السلام است. همچنین ممکن نیست که علی علیه السلام ویژگی های یک نفر را بیان کند و در مورد یک فرد سخن بگوید، اما در مقام تطبیق، انتهای کلام را بی دلیل به دونفر نسبت دهد.

مراد از اسم مخفی نیز این است که عموماً مردم حضرت مهدی علیه السلام را با نام «محمد» می شناسند و کمتر از نام «احمد» استفاده می کنند و عبارت «یخفی» به نام کم استعمال و غیر معروف تعبیر می شود.

احمد و مبلغان وی با تمسک به توجیهی عجیب، از معنای حقیقی «اسم» که همان «نام» است پرهیز کرده و به معنای مجازی آن، یعنی «شخصیت» روی می آورند. یکی از

آنان می‌گویند:

بطبیعة الحال المتبادر من الاسم هو الاول، أى اللفظ الذى يوضع علامة على الشخص، لا الشخص نفسه... فلو كان المراد اللفظ فهو قد ذكره فى نفس الرواية وفى نفس الموضوع بقوله «فأحمد»، إذن لا بد أن يكون المراد خفاء شخص القائم على الناس. (دوايرى، ۲۰۱۲: ۱۴۷)

او معتقد است که اگر مراد از «اسم» در روایت «نام» بود، چرا آن را عنوان کرده‌اند؟ پس مراد شخصیت مخفی است.

در عبارات‌های گذشته توضیح دادیم که با توجه به عبارت‌های به کار رفته به صورت مفرد و برای یک فرد، امکان ندارد مراد حضرت علی علیه السلام دو نفر باشد و به هر صورت، روایت بر یک نفر دلالت دارد و ویژگی‌های یک فرد را مطرح کرده است و به هیچ ترفندی نمی‌توان مراد از ضمیر مفرد را جمع یا مثنی گرفت.

در پاسخ به این توجیه نیز باید گفت اگرچه برخی از روایات، حکم به حرمت به کار بردن نام حقیقی حضرت مهدی علیه السلام داده‌اند،^۱ اما در اخبار بدان تصریح شده است. پس نمی‌توان گفت دلیل مخفی بودن نام دیگر امام عصر علیه السلام اشاره امام علی علیه السلام به نام مخفی آن حضرت است؛ زیرا به کار بردن آن به قدری در میان مردم کم است که آن را نام مخفی و کم استعمال می‌دانند. همین پرسش - که اگر مقصود، مخفی بودن نام بوده، چرا در روایات ذکر شده است - در بحث همانندی نام حضرت مهدی علیه السلام با نام پیامبر صلی الله علیه و آله نیز باقی است که در توجیه آن، علمای بزرگوار توضیحاتی ارائه داده‌اند (برای مطالعه این بحث، نک: طبسی، ۱۳۸۱: ۲۰۳؛ سلیمیان، ۱۳۸۵: ۱، ج ۱، ۲۰۱).

ب) شباهت کنیه امام مهدی علیه السلام با نام عمومیش

عِيسَى الْحَشَابِ قَالَ: قُلْتُ لِلْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ عليه السلام: أَنْتَ صَاحِبُ هَذَا الْأَمْرِ؟ قَالَ: لَا، وَ لَكِنْ صَاحِبُ الْأَمْرِ الطَّرِيدُ الشَّرِيدُ، الْمُتَوَثِّرُ بِأَبِيهِ، الْمُكْتَنَى بِعَجِيهِ، يَضَعُ سَيْفَهُ عَلَى عَاتِقِهِ تَمَائِيَةً أَشْهُرُ؟ (ابن بابويه، ۱۴۰۴: ۱۱۵؛ صدوق، ۱۳۹۵: ج ۱، ۳۱۸)

عیسی خَشَاب گویند: به امام حسین علیه السلام گفتیم: آیا شما صاحب الامر هستید؟ فرمود: خیر، و لیکن صاحب الامر طرید و شرید و خون خواه پدرش و دارای کنیه‌ای با اسم عمومیش است. او شمشیرش را هشت ماه روی دوش خود می‌نهد.

۱. تصریح روایات به گونه‌ای است که جز بر امام مهدی علیه السلام دلالت نمی‌کند. (نک: کلینی، ۱۴۰۷: ج ۱، ۲۲۸؛ حرّ عاملی، ۱۴۰۹: ج ۱، ۲۳۸، ۲۴۰، ۳، ج ۸)

کنیه امام مهدی علیه السلام، ابوالقاسم است و ایشان نمی‌تواند کنیه‌ای مطابق با اسم عمویش، عباس بن علی بن ابی طالب علیه السلام داشته باشد. لذا روایت به فردی اشاره دارد که کنیه‌اش «ابوالعباس» بوده و آن فرد احمد است.

احمد بصری نیز درباره این روایات و تبیین «المکنی بعمه» می‌گوید:

و المراد من الكنية هنا، أي: أبو فلان. وعمه المقصود في الرواية العباس بن علي عليه السلام؛
(بصری، ۱۴۳۱: ج ۱-۳، ۱۹۲)

مراد از کنیه این است که بگویی: ابوفلان، و مراد از عمو در این روایت حضرت عباس بن علی علیه السلام است.

باید توجه کرد که احمد بصری، دلیلی در اثبات ادعای خود - که مراد از «المکنی بعمه» عباس بن علی علیه السلام است - ذکر نکرده و با توجه به احتمالات، می‌توان مراد از «عمه» را امام حسن مجتبی علیه السلام و دیگر برادران امام حسن عسکری علیه السلام - از جمله جعفر - دانست.

برابر با مبانی علم حدیث و بیان نورانی امام علی علیه السلام، در تحلیل اخبار اهل بیت علیهم السلام باید به روایات هم‌خانواده آن نگریست تا بتوان روایت مجمل را تبیین صحیح نمود. به تعبیر دیگر، همان‌گونه که در تفسیر آیات قرآن، از آیات دیگر کمک گرفته می‌شود، در تبیین روایات نیز همین روش به کار می‌رود (نک: کلینی، ۱۴۰۷: ج ۱، ۶۳). با این وصف و با توجه به روایات دیگر، پیام این حدیث کاملاً روشن است و در میان احتمالات داده شده، مراد از «عمه»، جعفر - برادر امام حسن عسکری علیه السلام و عموی امام مهدی علیه السلام - است.

در نقل شیخ صدوق از امام حسن عسکری علیه السلام، مطلب فوق تبیین گردیده و امام مهدی علیه السلام دارای دو کنیه است؛ گاهی آن حضرت را «ابوالقاسم» و گاهی «ابوجعفر» خوانده‌اند (نک: مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۵۱، ۳۸). در نقل شیخ صدوق آمده است:

حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيِّ مَاجِلَوِيِّهِ رضي الله عنه قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى الْعَطَّارُ قَالَ: حَدَّثَنَا الْحُسَيْنُ بْنُ عَلِيِّ النَّيْسَابُورِيِّ قَالَ: حَدَّثَنَا الْحَسَنُ بْنُ الْمُنْذِرِ عَنْ حَمْرَةَ بِنِ أَبِي الْفَتْحِ قَالَ: جَاءَنِي يَوْمًا فَقَالَ لِي: الْبَشَارَةُ وُلْدُ الْبَارِحَةِ فِي الدَّارِ مَوْلُودٌ لِأَبِي مُحَمَّدٍ عليه السلام وَأَمْرٌ بِكُثْمَانِهِ. قُلْتُ: وَمَا اسْمُهُ؟ قَالَ: سُمِّيَ بِمُحَمَّدٍ وَكُنِيَ بِجَعْفَرٍ؛ (صدوق، ۱۳۹۵: ج ۲، ۴۳۲)

حسن بن منذر گوید: روزی حمزه بن ابی‌الفتح به نزد من آمد و گفت: مژده که روز گذشته برای امام حسن عسکری علیه السلام در سرا فرزندى متولد گردید و او فرمان داد که کودک را پنهان دارند. گفتیم: نام او چیست؟ گفت: او را محمد نامیده‌اند و کنیه‌اش ابوجعفر است.

در عبارتی دیگر نیز به این مطلب تصریح شده است:

وَقَالَ أَبُو الْحَسَنِ عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ حَبَابٌ، حَدَّثَنِي أَبُو الْأَدْيَانِ قَالَ: قَالَ عَقِيدُ الْخَادِمِ وَقَالَ أَبُو مُحَمَّدٍ بْنُ خَيْرَوَيْهِ التُّسْتَرِيُّ وَقَالَ حَاجِرُ الْوَشَاءِ كُلُّهُمْ حَكَوْا عَنْ عَقِيدِ الْخَادِمِ وَقَالَ أَبُو سَهْلٍ بْنُ نَوْحَةَ: قَالَ عَقِيدُ الْخَادِمِ: وُلِدَ وَلِيُّ اللَّهِ الْحُجَّةُ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ مُوسَى بْنِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ - صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ - لَيْلَةَ الْجُمُعَةِ عُرَّةَ شَهْرِ رَمَضَانَ سَنَةَ أَرْبَعٍ وَخَمْسِينَ وَمِائَتَيْنِ مِنَ الْهَجْرَةِ وَيُكْنَى أَبُو الْقَاسِمِ وَيُقَالُ أَبُو جَعْفَرٍ وَلَقَبَهُ الْمَهْدِيُّ؛ (همو: ج ۲، ۴۷۵)

... و ابو سهل بن نوبخت گوید: عقید خادم می گوید: ولی خدا حجة بن الحسن علیه السلام در شب جمعه اول ماه رمضان سال ۲۵۴ هجری به دنیا آمد و کنیه او ابوالقاسم و ابو جعفر و لقبش مهدی است.

ج) انتساب خود به امام حسن عسکری علیه السلام و به کارگیری عنوان «الحسن»

امام صادق علیه السلام در پاسخ به مفضل بن عمر و درباره ویژگی های زمان ظهور فرمود:

صَاحٍ صَائِحٍ بِالْخَلَائِقِ مِنْ عَيْنِ الشَّمْسِ يَلْسَانٍ عَرَبِيٍّ مُبِينٍ يَسْمَعُهُ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ يَا مَعْشَرَ الْخَلَائِقِ هَذَا مَهْدِيُّ آلِ مُحَمَّدٍ وَيُسَمِّيهِ بِاسْمِ جَدِّهِ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ وَيُكْنِيهِ بِكُنْيَتِهِ^۱، وَيَنْسُبُهُ إِلَى أَبِيهِ الْحَسَنِ الْحَادِي عَشَرَ إِلَى الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ - صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ - بَابِعُوهُ تَهْتَدُوا، وَلَا تَخَالِفُوا أَمْرَهُ فَتَصِلُوا؛ (خصی، ۱۴۱۹: ۳۹۷)

گوینده ای از چشمه خورشید به زبان عربی فصیحی بانگی می زند که اهل آسمان ها و زمین آن را می شنوند، و می گوید: ای مردم عالم، این مهدی آل محمد است و او را به نام و کنیه جدش پیغمبر صلی الله علیه و آله می خواند و به پدرش حسن علیه السلام امام یازدهم تا حسین بن علی - صلوات الله علیهم اجمعین - نسبت می دهد. آن گاه گوینده می گوید: با وی بیعت کنید که رستگار می شوید و با امر او مخالفت ننمایید که گمراه خواهید شد.

پیروان احمد بصری او را «احمد الحسن» می خوانند و معتقدند بنا بر این روایت، او از طریق

امام حسن عسکری علیه السلام به خاندان رسول خدا صلی الله علیه و آله متصل می شود (بصری، بی تا: ۶۰).

استدلال به این روایت، نادانی و ناآگاهی این گروه را یادآور می شود و با این که احمد بصری،

کنیه خود را «ابوالعباس» دانسته (بصری، ۱۴۳۱: ج ۱-۳، ۱۹۲) نمی توان کنیه ذکر شده در

روایت که «ابوالقاسم» است را به او نسبت داد. در نتیجه این روایت به نام حضرت مهدی علیه السلام

۱. در کتاب *مختصر البصائر*، عبارت «بکنیته» ذکر نشده است (حلی، ۱۴۲۱: ۴۴۳). با توجه به این که این روایت را از حسین بن حمدان و کتاب *الهدایة الکبری* نقل می کند، متن کامل را از مصدر اصلی آورده ایم. همچنین این عبارت با صدور و ذیل روایت - که در قسمت نقد آن ذکر شده - سازگار است و در پذیرش آن مشکلی نیست.

تصریح دارد که بنا بر روایات، آن حضرت همانم رسول خدا ﷺ و کنیه ایشان کنیه جد بزرگوارشان است (صدوق، ۱۳۹۵: ج ۱، ۲۸۷).

افزون بر سخن فوق، عبارت‌های قبل و بعد روایت، با حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه مطابقت دارد. در روایت تأکید شده که این فرد در سال ۲۵۷ قمری به دنیا آمده (حلی، ۱۴۲۱: ۴۴۰) و در بین رکن و مقام با او بیعت شده و ۳۱۳ یار دارد و امام حسین علیه السلام او را همراهی می‌کند (همو: ۴۴۲). در فرازی دیگر از روایت نیز بحث ندا به نام و کنیه ایشان - که با نام و کنیه رسول خدا یکی است - مطرح شده که با این قسمت مذکور از روایت همسو است (همو: ۴۳۵).

نتیجه

در جمع‌بندی آنچه گذشت، جای تردید باقی نمی‌ماند که احمد بصری و طرفدارانش همانند دیگر مدعیان دروغین، از روش‌های استفاده از روایت‌های غیرمعتبر، تقطیع و گزینش روایت و تحریف و دستکاری محتوای آن سود جسته و برای اثبات ادعای خود تلاش بسیاری کرده‌اند. برای بیان دروغ‌گو بودن این فرد، تنها به مواردی از ادله مطرح شده در دعوت وی اشاره کردیم تا روش باطل و شگردهای استدلال به دعوت در این گروه را تا حدی نمایان سازیم.



منابع

- ابن بابويه، على بن حسين، الإمامة والتبصرة من الحيرة، قم، مدرسة الامام المهدي عليه السلام، چاپ اول، ۱۴۰۴ق.
- ابن طاوس، على بن موسى، التشریف بالمنن في التعريف بالفتن، قم، مؤسسة صاحب الامر عليه السلام، چاپ اول، ۱۴۱۶ق.
- ابن منادی، احمد بن جعفر، الملاحم، قم، دارالسيره، چاپ اول، ۱۴۱۸ق.
- ابن منظور، محمد بن مكرم، لسان العرب، بيروت، دار صادر، چاپ سوم، ۱۴۱۴ق.
- انصاری، محمدرضا، «طبری سوم و دلائل الامامة»، ماه نامه كيهان انديشه، قم، مؤسسه كيهان، شماره ۵۸، ۱۳۷۳ش.
- آل سيد حيدر كاظمی، سيد مصطفى، بشارة الاسلام في ظهور صاحب الزمان، بی جا، آل البيت عليهم السلام، بی تا.
- آيتی، نصرت الله، «نقد و بررسی آراء مدعيان مهدويت: با تكيه بر آراء احمد الحسن»، فصل نامه علمی - پژوهشی مشرق موعود، قم، مؤسسه آينده روشن، ش ۲۵، تابستان ۱۳۹۲ش.
- بحرانی، سيد هاشم، المحجة فيما نزل في القائم الحجة، تحقيق: محمد منير الميلاني، بی جا، بی نا، بی تا.
- برسی، رجب بن محمد، مشارق أنوار اليقين في أسرار أمير المؤمنين عليه السلام، بيروت، مؤسسة الاعلمی للمطبوعات، چاپ اول، ۱۴۲۲ق.
- برقی، احمد بن محمد، المحاسن، قم، دارالكتب الاسلامية، چاپ دوم، ۱۳۷۱ق.
- بصری، احمد بن اسماعيل، الجواب المنير عبر الاثير، بی جا، انتشارات انصار الامام المهدي، چاپ دوم، ۱۴۳۱ق.
- _____، الرجعة ثالث ايام الله الكبرى، إعداد: علاء سالم، بی جا، انتشارات انصار الامام المهدي، چاپ اول، ۱۴۳۳ق.
- _____، المتشابهات، بی جا، انتشارات انصار الامام المهدي، ۲۰۱۰الف.
- _____، نصيحة الى طلبة الحوزات العلمية، بی جا، انتشارات انصار الامام المهدي، چاپ دوم، ۲۰۱۰ب.
- _____، وصی ورسول الامام المهدي في التوراة والانجيل والقرآن، بی جا، انتشارات انصار الامام المهدي، چاپ سوم، ۲۰۱۰ج.

- _____ ، الوصية المقدسة ، بی جا، انتشارات انصار الامام المهدي ، بی تا.
- بکری، احمد بن عبدالله، الأنوار فی مولد النبی ﷺ، اصفهان، مؤسسه تحقیقات و نشر معارف اهل بیت علیهم السلام، بی تا.
- ترابی شهرضایی، اکبر، پژوهشی در علم رجال، قم، نشر اسوه، چاپ اول، ۱۳۸۷ ش.
- تهرانی، محمد بن حسن (آقابزرگ)، الذریعة الی تصانیف الشیعة، بیروت، دارالأضواء، چاپ سوم، ۱۴۰۳ ق.
- جعفریان، رسول، مهدیان دروغین، تهران، نشر علم، چاپ اول، ۱۳۹۱ ش.
- حائری یزدی، علی، إلزام الناصب فی إثبات الحجة الغائب ﷺ، بیروت، مؤسسة الاعلمی للمطبوعات، چاپ اول، ۱۴۲۲ ق.
- حرّ عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعة، قم، مؤسسة آل البيت لإحياء التراث، چاپ اول، ۱۴۰۹ ق.
- حسینی جلالی، محمدحسین، فهرس التراث الشیعه، قم، دلیل ما، چاپ اول، ۱۳۸۰ ش.
- حسینی قزوینی، محمد، نقد کتاب اصول مذهب الشیعة، قم، مؤسسه تحقیقاتی ولی عصر ﷺ، چاپ اول، ۱۴۳۰ ق.
- خطاب، احمد، دابة الارض وطالع المشرق، بی جا، انتشارات انصار الامام المهدي، ۲۰۰۹ م.
- حلّی، حسن بن سلیمان، مختصر البصائر، قم، نشر الاسلامی، چاپ اول، ۱۴۲۱ ق.
- حلّی، رضی الدین علی بن یوسف بن مطهر، العدد القویة لدفع المخاوف الیومیة، قم، کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، چاپ اول، ۱۴۰۸ ق.
- خصیبی، حسین بن حمدان، الهدایة الکبری، بیروت، مؤسسة البلاغ، چاپ اول، ۱۴۱۹ ق.
- داود، محمد عیسی، المفاجأة بشراک یا قدس، بی جا، مدبولی الصغیر، بی تا - الف.
- _____، المهدي المنتظر علی الابواب، بیروت، دارالمهدی، بی تا - ب.
- دیراوی، عبدالرزاق، دعوة السيد احمد الحسن هی الحق المبین، بی جا، انتشارات انصار الامام المهدي، ۲۰۱۲ م.
- زیادی، حیدر، یمانی موعود؛ حجت الله، انتشارات انصار امام مهدي، ۱۴۳۲ ق.
- سلیمان، خدامراد، درس نامه مهدویت، قم، بنیاد فرهنگي حضرت مهدي موعود ﷺ، چاپ اول، ۱۳۸۵ ش.
- شهبازیان، محمد، تأملی نو در نشانه های ظهور (۱)، قم، بنیاد فرهنگي حضرت مهدي موعود ﷺ، چاپ اول، ۱۳۸۹ ش.

- صدوق، محمد بن علی بن بابویه، *عیون اخبار الرضا* علیه السلام، به کوشش: مهدی لاجوردی، تهران، نشر جوان، چاپ اول، ۱۳۷۸ ش.
- _____، *کمال الدین و تمام النعمة*، تحقیق: علی اکبر غفاری، تهران، انتشارات اسلامی، چاپ دوم، ۱۳۹۵ ق.
- صفار، محمد بن حسن، *بصائر الدرجات فی فضائل آل محمد صلی الله علیهم*، قم، مکتبه آیه الله المرعشی النجفی، چاپ دوم، ۱۴۰۴ ق.
- صفری فروشانی، نعمت الله، «محمد بن جریر طبری آملی و دلائل الامامة»، فصل نامه علمی - پژوهشی *علوم حدیث*، سال دهم، قم، مؤسسه علمی - فرهنگی دارالحدیث، شماره ۳۷ - ۳۸، پاییز و زمستان ۱۳۸۴ ش.
- طباطبایی حسنی، محمد علی، *مائتان وخمسون علامة حتى ظهور الامام المهدي* علیه السلام، بیروت، موسسه البلاغ، چاپ دوم، ۱۴۲۹ ق.
- طبرسی، احمد بن علی، *الاحتجاج علی اهل اللجاج*، مشهد، نشر مرتضی، چاپ اول، ۱۴۰۳ ق.
- طبری، محمد بن جریر، *دلائل الإمامة*، قم، انتشارات بعثت، چاپ اول، ۱۴۱۳ ق.
- طبسی، نجم الدین، «حکم تسمیه و ذکر نام شریف حضرت ولی عصر علیه السلام»، فصل نامه علمی - ترویجی *انتظار موعود*، قم، بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود علیه السلام، شماره ۳، بهار ۱۳۸۱ ش.
- طوسی، محمد بن حسن، *الغیبة للحجة*، محقق: عبادالله تهرانی و علی احمد ناصح، قم، المعارف الاسلامیة، چاپ اول، ۱۴۱۱ ق.
- عاملی، سید جعفر مرتضی، *بیان الائمة و خطبة البيان فی المیزان*، بیروت، مرکز الاسلامی للدراسات، ۱۴۲۴ ق.
- عرفان، امیر محسن، «بازخوانی عوامل پیدایش مدعیان دروغین مهدویت و گرایش مردم به آنان»، فصل نامه علمی - ترویجی *انتظار موعود*، قم، بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود علیه السلام، شماره ۳۰، پاییز ۱۳۸۸ ش.
- عقیلی، ناظم، *الرد الحاسم علی منکرى ذریة القائم*، بی جا، انتشارات انصار الامام المهدي، ۱۴۲۵ ق.
- کلینی، محمد بن یعقوب، *الکافی*، تحقیق: علی اکبر غفاری و محمد آخوندی، تهران، دارالکتب الإسلامیة، چاپ چهارم، ۱۴۰۷ ق.
- مجلسی، محمد باقر، *بحار الانوار*، بیروت، دار احیاء التراث العربی، چاپ دوم، ۱۴۰۳ ق.

- مرندی، ابوالحسن، مجمع النورین وملتقى البحرين، اصفهان، مؤسسه تحقیقات و نشر معارف اهل البيت عليه السلام، بی تا.
- نعمانی، محمد بن ابراهیم، الغیبه، تحقیق: علی اکبر غفاری، تهران، نشر صدوق، چاپ اول، ۱۳۹۷ق.
- واحد تحقیقات انتشارات انصار امام المهدي، ادله جامع دعوت یمانی آل محمد؛ سید احمد الحسن، بی جا، انتشارات انصار الامام المهدي، بی تا - الف.
- واحد تحقیقات انتشارات انصار امام المهدي، برخی علایم ظهور مهم محقق شده (جزوه آموزشی)، بی جا، انتشارات انصار الامام المهدي، بی تا - ب.
- وبسایت خیر آنلاین، به آدرس: khabaronline.ir
- وبسایت روزنامه الشرق الاوسط به آدرس: www.aawsat.com